

## قوافی بلاغی با تأکید بر اشعار چهار شاعر عصر مشروطه

(فرخی، عشقی، عارف و لاهوتی)

علمدار زینت پور\*

دکتر امیرحسین همتی\*\*

دکتر مظاهر نیک خواه\*\*\*

### چکیده

قافیه یکی از جلوه‌های موسیقی شعر است به گونه‌ای که اگر قافیه شعری درست و سالم باشد آن شعر زنده می‌ماند. از همین رو، شاعران زمانی را صرف قافیه‌پردازی کرده و به آن اهمیت زیادی داده‌اند. از سده‌های ابتدایی شعر فارسی تا به امروز، تغییرات زیادی در قافیه‌ها رخ داده است و با بررسی علم قافیه بر اساس مطالبی که در کتب بلاغت و نقد شعر، مسطور است به سهولت می‌توان به اهمیت قافیه و اثربخشی آن در شعر فارسی پی برد. قافیه بخشی از واژگان در دسترس هر شاعر است و واژه‌ای است که از زبان معیار برخاسته و نقش و ارزش سبکی دارد. در این پژوهش، پس از بررسی اشعار چهار شاعر عصر مشروطه، به بررسی جنبه‌های موسیقایی، صنعت‌گری و نوآوری‌های قافیه و همچنین دخل و تصرفاتی که شاعران در واژه‌های قافیه صورت داده‌اند پرداخته شده و جلوه‌های تازه‌ای از هنر قافیه‌پردازی، ارائه شده است. هدف مقاله، بررسی جنبه‌های موسیقایی، صنعت‌گری، نوآوری و جلوه‌های هنر قافیه‌پردازی در شعر شاعران مذکور است.

### واژه‌های کلیدی

مشروطه، قافیه، فرخی، عشقی، عارف، لاهوتی.

---

\* دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

\*\* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. (نویسنده مسوول)

\*\*\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۲۷

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۲ ❖ زمستان ۱۳۹۸

تا به حال کتاب‌های فراوانی در آموزش عروض و قافیه نگاشته شده و در این کتاب‌ها به عیوب، حدود و حرکات قافیه پرداخته شده است؛ اما به زیبایی‌های پنهان و آشکار قافیه و نوآوری‌ها و هنر قافیه‌پردازی توجهی نشده و بعد از گذشت دوره‌های مختلف ادبی نشانه و الگوی روشنی برای تشخیص قافیه زبانی از قافیه ادبی و بلاغی نداریم. هنوز برای یافتن قافیه بلاغی پژوهشی کامل صورت نگرفته است شاعران و علاقه‌مندان جوان ما شناخت دقیقی از هنر قافیه‌پردازی ندارند همین بی‌اطلاعی باعث شد که در دوره تجدد و نوگرایی ادیبانی تندرو پیدا شود که نه تنها برای وزن و قافیه ارزشی قائل نیستند که شعر فارسی را از اساس به باد انتقاد بگیرند.

در سال‌های اخیر تنها کتابی که به گونه‌ای دیگر به قافیه نگریسته کتاب موسیقی شعر اثر محمدرضا شفیعی کدکنی است که در فصل‌هایی از آن نگاهی تازه به قافیه شده است. شفیعی کدکنی در این کتاب می‌نویسد: «اگر به کتاب‌های فارسی و عربی که درباره علم شعر قافیه نوشته‌اند رجوع کنیم می‌بینیم که درباره هنر اصلی قافیه کمترین توجهی نکردند، همواره قافیه را نسبت به شعر هم‌چون جزئی لایتجزا پذیرفته و از آن گذشته‌اند و تنها درباره الف تأسیس و دخیل بحث کرده‌اند. آیا نمی‌توان درباره قافیه به صورت دیگر اندیشید؟» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۶۱)

یکی از تمهیداتی که شاعر به کار می‌برد تا سخن را از نثر عادی دور کند و در آن به نوعی تناسب و آهنگ ایجاد کند، قافیه‌پردازی است. قافیه نقش مهمی در شعر فارسی دارد. «قافیه در هیچ زبانی، اهمیتی به اندازه زبان فارسی ندارد». (همان، ۱۱۶) قافیه علاوه بر اهمیت و کارکردهای مختلف که موجب زیبایی شعر می‌شود، سازمان فکری، موسیقایی و زبانی شعر را نیز سامان می‌دهد. هم‌چنین، شعر سنتی برای خلق معانی و مضامین و صور خیال، سهم عمده‌ای را به قافیه مدیون است. شاعران از دیرباز به قافیه توجه کرده و از نقش پررنگ آن در شعر خود، آگاهی داشته‌اند. آن‌ها یکی از نشانه‌های استادی خود را آوردن قافیه و ردیف‌های

### قوافی بلاغی با تأکید بر اشعار چهار شاعر عصر مشروطه □ ۸۳

دشوار یا نادر می‌دانستند. پژوهشگران قدیم هم از دیرباز در تعریف شعر «مقفاً بودن را بعد از موزون بودن، از لزوم وجوبی شعر دانسته‌اند (شمس قیس رازی، ۱۳۸۲: ۱۴۸).

یکی از مهم‌ترین کارکردهای قافیه، نقشی است که در تلفظ صحیح واژه‌ها دارد. «می‌توان تلفظ واژه‌ها را به یاری قافیه و هجای روی و تبعات آن نشان داد. با مشخص شدن تلفظ هجای آخر یکی از قوافی، چون تلفظ هجای آخر تمامی واژه‌هایی که در قافیه قرار می‌گیرند، یکسان است، بنابراین می‌توان به تلفظ دیگر واژه‌های قافیه پی برد» (محمدی و قاسمی، ۱۳۹۵: ۱۶) دیگر اینکه، از طریق تلفظ قافیه‌ها متوجه این نکته می‌شویم که شاعران در واژه‌هایی که به‌عنوان قافیه برگزیده‌اند، دخل و تصرفاتی کرده‌اند. برخی از این دخل و تصرف‌ها را می‌توان جزء نبوغ و بدعت‌های شاعرانه، به حساب آورد. باین‌حال، همه تغییرات را نمی‌توان بدیع و شگرف دانست؛ بلکه برخی به ضرورت و تنگنای قافیه آمده است.

در این مقاله سعی شده است، اشعار چهار شاعر عصر مشروطه (فرخی، عشقی، عارف و لاهوتی) از منظر قافیه بلاغی بررسی شود تا نشان داده شود که شاعران چگونه می‌توانند در زنده نگه‌داشتن، تقویت و ارتقای جایگاه، گسترده و نیز به‌روز نگه‌داشتن زبان فارسی، نقش داشته باشند و این روند نیز ادامه یابد. برای این منظور اشعار این چهار شاعر، مورد مذاقه واقع شده تا مشخص شود آن‌ها تا چه میزان از علم بلاغت در شعر خود استفاده نموده‌اند... این پژوهش در پی اثبات این امر است که چگونه این شاعران در به‌کارگیری قافیه‌های شعر خود، دست به نوآوری‌هایی در حوزه بلاغت زده‌اند.

### پیشینه تحقیق

با عنایت به موضوع پژوهش و بررسی امکانات زبانی یا دستوری، علی حسین رازانی (۱۳۹۰) در مقاله «قافیه بلاغی با تکیه بر قصاید رودکی، عنصری، فرخی و منوچهری دامغانی» به بررسی نقش بلاغت در قافیه شعر شاعران مذکور پرداخته است. هم‌چنین علی محمدی و طاهره قاسمی (۱۳۹۵) در فصلنامه فنون ادبی «به بررسی نقش قافیه در تحولات آوایی زبان

## ۸۴ قوافی بلاغی با تأکید بر اشعار چهار شاعر عصر مشروطه

فارسی» پرداخته‌اند. در سال‌های اخیر تنها کتابی که به گونه‌ای دیگر به قافیه نگریسته، کتاب «موسیقی شعر» اثر دکتر شفیع کدکنی است که در فصل‌هایی از این کتاب نگاهی تازه به قافیه شده است.

### بحث و بررسی

#### نقش قافیه در بیان معانی

برای دادن حالت مؤثر و پویا به شعر، شاعر باید به گونه‌ای عمل کند که مضامین و مفاهیم موردنظر، به راحتی به خواننده منتقل شود، شاعر باید قافیه‌ای همسو با مضمون کلی شعر برگزیند؛ زیرا قافیه به دلیل تکرار در تمام شعر، موجب می‌شود سخنی که شاید به جمله نیاید و حالتی که قابل بازگویی نیست به خواننده منتقل شود. بر این اساس غلام‌حسین یوسفی در کتاب «کلمات در شعر فردوسی» درباره قافیه می‌گوید: اگر کلمه‌ای که در شعر اهمیتی بیشتر دارد از این تشخیص صوتی برخوردار شود، صوت و معنی هماهنگ می‌شوند و یکدیگر را تقویت می‌کنند و در القای مفهوم و حالت شعر تأثیر بیشتری دارند. حتی می‌نویسند اگر صورت قافیه به نوعی بامعنی و مفهوم بیت همکاری و همگامی نداشته باشد، قافیه به هدر رفته است و شاعری که تعداد زیادی کلمات نامهم را در محل قافیه بنشانند برخی از این فرصت‌ها را از دست داده است (یوسفی، ۱۳۷۵: ۲۶۳).

نقش حروف قافیه از میان کلمات قافیه در این است که نوعی نظم و تناسب موسیقایی در شعر ایجاد می‌کند. این حروف، در ساختار شعر برجستگی و امتیاز ویژه‌ای دارند. این امتیاز از دو جهت برای حروف قافیه حاصل می‌شود. ابتدا از این جهت که به دلیل تکرار، فراوانی و بسامد این حروف در میان تمام حروف شعر بیشتر است؛ و دیگر این که تکرار این حروف نظم موسیقایی در شعر ایجاد می‌کند که این مسأله اهمیت فراوانی دارد. شاعر با آوردن حروف قافیه، که یاری‌گر او در انتقال معنا هستند، تأثیر شعرش را در خواننده دوچندان می‌کند، به عنوان مثال: «مصوت بم (أ) = (وحشت بیابان را بهتر مجسم می‌کند و مصوت زیر (ای = آ) با

## قوافی بلاغی با تأکید بر اشعار چهار شاعر عصر مشروطه □ ۸۵

رسیدن بهار و دعوت به شادی مناسب‌تر است. حرف «ن» غنه ای دارد که طنینی خاص به کلام می‌دهد، حرف شین، خروش و شیوهٔ اسب‌ها را می‌رساند» (همان: ۲۸۴)

### نقش موسیقایی قافیه

برجسته‌ترین تأثیری که قافیه از منظر موسیقایی، در شعر دارد، این است که قافیه در محور عمودی و افقی شعر، لذت موسیقایی خاصی را به وجود می‌آورد و همین ویژگی، آرایه نغمهٔ حروف در محور افقی شعر ایجاد می‌کند. زمانی که خواننده، از خواندن شعری که واج‌آرایی دارد، لذت می‌برد، بی‌گمان از تکرار حروف خاصی در طول شعر نیز لذت خواهد برد.

البته باید گفت همان‌گونه که قافیه تنها تکرار در طول شعر نیست و در بیان مفهوم نیز یاریگر شاعر است، واج‌آرایی هم تنها یک تکرار صرف نیست و این تکرار ارتباط مستقیم با معنای بیت دارد و آن را به ذهن القاء می‌کند و به همین دلیل است که می‌گویند: «قافیه در شعر تنها تکرار یک هجا یا هجاهای پیشین نیست، بلکه علاوه بر این، ارزش بلاغی هم دارد و نیز ممکن است اثراتی دیگر در موسیقی شعر و القای مفهوم آن و خیال‌انگیزی و حسن تأثیر سخن نیز داشته باشد. مثلاً یکی از بهترین شیوه‌های تأکید و تکیه بر کلمه، قرار دادن آن در قافیه است. کلمه‌ای که در صدر سخن، عجز یا قافیه بیت قرار می‌گیرد، از نظر صوتی ارزش خاصی پیدا می‌کند و در این میان کلمهٔ قافیه از همه برجسته‌تر است.» (همان: ۲۶۳). برای مثال منوچهری دامغانی در بیت زیر حرف «ن» را نه بار تکرار کرده است:

حاسدان بر من حسد کردند و من فردم چنین داد مظلومان بده ای میر عز مؤمنین

(منوچهری، ۱۳۷۵: ۹۰)

حال می‌توان چنین بیان کرد که واج‌آرایی در یک شعر، زمانی ارزشمند است که علاوه بر ارتباط و تناسب کامل آن با مفهوم بیت، از بسامد بالایی نیز برخوردار باشد. دربارهٔ حروف قافیه نیز، وضع چنین است؛ یعنی زمانی که تعداد حروف مشترک قافیه در شعر، تنها یک حرف است، تکرار آن حرف ایجاد موسیقی می‌کند و حاصل آن لذت خاصی است که به شنوندهٔ شعر منتقل

## ۱۸۶ قوافی بلاغی با تأکید بر اشعار چهار شاعر عصر مشروطه

می‌شود؛ اما اگر بسامد حروف مشترک بیشتر شود، یقیناً تأثیر و لذت حاصل از آن دو چندان خواهد شد. در بیت زیر حافظ قافیه شعر را در چهار حرف مشترک آورده است:

چنان بـرکـش آهـنـگ ایـن داوـری      کـه نـاهـیـد چـنـگـی بـه رقص آوری

(حافظ، ۱۳۶۷: ۲۷۷)

### نقش موسیقایی ردیف

ردیف، مخصوص شعر فارسی است و به همراه قافیه به موسیقی شعر، کمک می‌کند. ادیبان و شاعران ایرانی به موسیقی ردیف، اهمیت زیادی داده‌اند و یکی از دلایل توجه زیاد به ردیف، به خاطر ظرفیت موسیقایی آن است. درباره اهمیت ردیف، دکتر شفیع کدکنی می‌گوید: «در شعر فارسی، اندکی توقف حرکت، قبل از روی می‌کنیم اما به قدری نیست که موسیقی قافیه را اشباع کند. به همین علت است که برای تکمیل آن موسیقی، از راه دیگر که وجود ردیف است، استفاده می‌شود تا حروف مشترک پایان شعر را که یکی دو تا حرف بیش‌تر نیست، فزونی بخشد و موسیقی شعر را تکمیل کند.» (شفیع کدکنی، ۱۳۷۶: ۱۳۷)؛ اما اوج موسیقی شعر، زمانی اتفاق می‌افتد که صامت و مصوت‌های ردیف و قافیه، هماهنگی موسیقایی داشته باشند. در بیت زیر فرخی یزدی، ردیف موسیقایی به‌کاربرده است:

باید این دوره اگر عالی و گردون باشد      گنگ و کور و سرگشته چو گردون باشد

(فرخی، ۱۳۸۹: ۱۱۸)

در بیت فوق، فرخی قافیه و ردیفی به‌کاربرده است که در حرف «ش» و مصوت بلند «آ» مشترک‌اند و این ویژگی بر غنای شعر افزوده است. ردیف در سروده عارف قزوینی با قافیه‌های هم‌وزن، در بعضی حروف مشترک و گاهی هم‌وزن است و این عمل بر غنای موسیقی شعر شاعر، افزوده است.

آورد بوی زلف توام باد زنده‌باد      آشفستگی نمود مرا شاد زنده‌باد

(عارف: ۱۷۷)

## قافیه بلاغی

تعریف جامع و مانعی از قافیه هنری و بلاغی در هیچ کتابی نیامده است در همه تعریف‌های قافیه چه در کتاب‌های قدیم و چه جدید به ساختار زبانی قافیه نگریسته‌اند و بر اساس شکل ظاهری قافیه و مکان آن در شعر، آن را معرفی کرده‌اند؛ مانند «قافیه در لغت از پی رونده را گویند و در اصطلاح کلمه‌ای است که شعر به آن تمام گردد و چون در اشعار، قوافی از پی یکدیگر یا از پی اجزاء بیت درآیند آن را قافیه نامیده‌اند.» (رادفر، ۱۳۶۸: ۸۶۳)

قافیه بلاغی، قافیه‌ای است که شاعر در آفرینش آن از بهترین و مؤثرترین امکانات زبانی و ادبی بهره گرفته باشد قافیه بلاغی هماهنگی لازم را با موسیقی درونی و بیرونی شعر دارد و می‌تواند به تنهایی و یا به کمک اجزای دیگر صنعت ادبی بسازد. قافیه بلاغی مثل هر آفرینش هنری دیگر نیازمند خلاقیت است. ضمناً شاعر باید نسبت به واژگان زبان و هماهنگی‌های لفظی و معنوی و تأثیر موسیقایی صامت‌ها و مصوت‌ها آگاه باشد و تأثیرات روحی و احساسی آن‌ها را بداند. برای نمونه، لاهوتی در بیت زیر به تکرار قافیه دست‌زده است و عنصر تکرار به‌طور کلی در شعر لاهوتی از بسامد بالایی برخوردار است و به نظر می‌رسد که از عمد انجام می‌گیرد، چون شعر لاهوتی شعر بیداری و آگاهی است؛ بنابراین برای رسیدن به این هدف دست به هر تلاش و کوششی می‌زند؛ و هر جا که لازم باشد قافیه را تکرار می‌کند و از این کار هیچ ابایی هم ندارد زیرا آرمان او چیزی فراتر از این‌هاست.

به سرانگشت تو تا چند زخم تهمت قتل      پا به مژگان تو تا چند دهم نسبت خار  
علم اگر نیست ز حیوان چه بود فرق بشر      بد اگر نیست تفاوت چه کند گل از خار  
(لاهوتی، ۱۳۵۷: ۸)

شاعر برای رویکرد بلاغی به قافیه باید به صنایع ادبی و زیبایی‌شناسی سخن و فنون بلاغی، به‌خصوص صنایعی که با قافیه در ارتباط هستند آشنا باشد. با این اوصاف سرودن قافیه بلاغی کاری ظریف و حساس است و آن را در هر شعری هم نمی‌توان یافت. در این مقاله برای یافتن قافیه‌هایی با چنین ویژگی‌ها در دو محور موسیقایی و ادبی در دیوان چهار شاعر

## ۸۸ قوافی بلاغی با تأکید بر اشعار چهار شاعر عصر مشروطه

مذکور پژوهش شده و نمونه‌های قافیه بلاغی ارایه گردیده است.

### قافیه و موسیقی

موسیقی، زبان هستی است، زبانی که ترجمه نظام آفرینش است. موسیقی مانند کیمیایی در همه هنرهای ساخته بشر به هر چه می‌رسد زیبایی و شور و حال می‌بخشد. موسیقی، زمانی که به شعر فارسی راه یافت، باعث هماهنگی لفظی و معنوی قافیه شد و گوش‌نوازی شعر را سبب گردید. موسیقی قافیه در آثار ادبی فارسی به شکل‌های مختلف به گوش می‌رسد.

۱- موسیقی قافیه به کمک تکرار صامت‌ها و مصوت‌ها (واج‌آرایی)

تکرار حروف و صداها قافیه با حروف و صداها کلمات دیگر باعث می‌گردد موسیقی شعر افزایش یابد. هرچند استاد شفیعی کدکنی در کتاب ارزشمند موسیقی شعر بحث مستوفایی در زمینه تکرار صامت‌ها و مصوت‌ها و نقش آن‌ها در خلق تصاویر و القای حس شعری کرده‌اند؛ ولی نمونه‌های عملی زیر را می‌توان به‌نوعی مکمل مباحثی از این دست دانست و از منظر شباهت و تکرار صامت‌ها و مصوت‌ها بررسی شد و نتایج زیر به دست آمد که اجمالاً عرضه می‌شود:

### واج‌آرایی در شعر لاهوتی

لاهوتی از حروف (س، ش، د، م، ق، خ، ن، ض، ل، ح، ت، ع، و) و مصوت بلند «آ» در افزایش موسیقی بیت بهره برده است. او در یک بیت ۹ بار حرف «ر» را تکرار کرده است:

غبار نفرت و گردنقار این کردار بشو ز بحر خزر تا کنار اقیانوس  
(لاهوتی: ۱۷)

و یا در این بیت صامت «ش» ۷ بار به کار برده است:

گفت رسام از تو چون تصویر می‌باید کشید گفتمش در شعله یک شمشیر می‌باشد کشید  
(لاهوتی: ۱)



قوافی بلاغی با تأکید بر اشعار چهار شاعر عصر مشروطه ❏ ۸۹

#### واج آرایی در شعر فرخی

فرخی ۸۳ بار این شگرد را به کار برده و در ساختن آن از ۱۵ حرف (ن، ح، ب، خ، ش، د، ر، ز، س، و، گ، م، ق) و از مصوت بلند «آ» استفاده کرده. در بیت زیر فرخی مصوت بلند «آ» را ۸ بار به کار برده است:

در این دیار باری ای کاش بود یاری      کز روی غم‌گساری آید به یاری ما  
(فرخی، ۱۳۸۹: ۷۸)

در بیت زیر صامت «ر» ۱۱ بار به کار رفته است:

بی‌زر و زور کجا زاری ما را ثمر است      در محیطی که ثمر بر اثر زور و رز است  
(فرخی: ۱۰۱)

#### واج آرایی در شعر عشقی

در بررسی اشعار عشقی می‌توان مواردی از کاربرد این آرایه ادبی را یافت:

چنان تاریخ ایران شد ز تاریخ تو تاریخی      که این تاریخ تاریخی‌ترین تاریخ عالم شد  
(عشقی، ۱۳۵۷: ۲۲۳)

از اشک و آه و ناله و فریاد هم دوا      این درد بی‌دوای تو دردا نمی‌شود  
(همان: ۳۳۹)

#### واج آرایی در شعر عارف

خانه‌ای کو شود از دست اجانب آباد      ز اشک ویران کنش آن خانه که بیت‌ال‌حزن است  
(عارف، ۱۳۵۷: ۱۵۷)

شروع بیت دوم با کلمه یاد است که واج «ی» و واج «الف» با کشیدگی زیادی همراه است.

#### موسیقی قافیه به کمک ردیف

ردیف مخصوص شعر فارسی است و به همراه قافیه به موسیقی شعر کمک می‌کند. ادیبان

## ۹۰ قوافی بلاغی با تأکید بر اشعار چهار شاعر عصر مشروطه

و شاعران ایرانی به موسیقی ردیف، اهمیت زیادی می‌دادند و یکی از دلایل توجه مفرط شاعران فارسی‌زبان به ردیف همین ظرفیت موسیقایی آن است. درباره اهمیت ردیف گفته‌اند: «در شعر فارسی اندکی توقف حرکت قبل از روی می‌کنیم اما به قدری نیست که موسیقی قافیه را اشباع کند به همین علت است که برای تکمیل آن موسیقی، از راه دیگر که وجود ردیف است استفاده می‌شود تا حروف مشترک پایان شعر را که یکی دو حرف بیشتر نیست، فزونی بخشد و موسیقی شعر را تکمیل کند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۱۳۷)؛ اما اوج موسیقی شعر زمانی اتفاق می‌افتد که صامت‌ها و مصوت‌های ردیف و قافیه هماهنگی موسیقایی داشته باشند.

### ردیف موسیقایی در شعر لاهوتی

در شعر لاهوتی، ردیف نقش مهمی باز می‌کند. در اشعار او که بیشتر مضامین سیاسی و اجتماعی حاکم است. ردیف در مهیج کردن کلمات برای رساندن مفهوم خاص مورد نظر شاعر کمک زیاد می‌کند. بسامد ردیف فعلی، در مقایسه با ردیف اسمی و ضمیر بالاست؛ و شاید به دلیل آلام درونی شاعر نسبت به اجتماع است لاهوتی برای این که مخاطب خود را آگاه و جامعه را از خواب دراز بیدار کند؛ لازم است که فعل را در شکل کوبنده در قالب ردیف بیان کند. فعل امر در اشعار لاهوتی فراوان به چشم می‌خورد گویی هر واژه چون پتکی برای بیداری بر سر مخاطب پایین می‌آید.

از هر گپ آن، تازه شود جان چه لب است این      من دل به چنین لب نسپارم چه گپ است این  
رفتار ببینید، چه دل می‌کشید... الحق،      در بین همه سرو قدان، منتخب است این

(لاهوتی: ۱۲۰)

لاهوتی در بیت زیر ردیفی به کار برده است که در حروف «ان» مشترک‌اند و این ویژگی بر غنای شعر افزوده است:

وز آن ساعت که او جانان من شد      وفا در راه او پیمان من شد

(لاهوتی: ۱۸)

قوافی بلاغی با تأکید بر اشعار چهار شاعر عصر مشروطه □ ۹۱

#### ردیف موسیقایی در شعر فرخی

در دیوان فرخی بیشتر اشعار، دارای ردیف هستند که اکثر این ردیف‌ها، ردیف‌های کوتاه فعلی و اسمی می‌باشد و تنها چهار غزل دارای ردیف بلند می‌باشد. کاربرد وسیع ردیف یکی از شگردهای زبانی فرخی یزدی می‌باشد. فرخی، قافیه و ردیفی به کار برده است که در مصوت «انی» مشترک‌اند و این ویژگی بر غنای شعر افزوده است. مرگ هم در شب هجران به من ارزانی نیست بی‌تو گر زنده بمانم ز گران‌جانی نیست (فرخی: ۱۱۰)

#### ردیف موسیقایی در شعر عشقی

در بیت زیر قافیه و ردیف در حروف «ان» و «ار» مشترک‌اند و این ویژگی بر غنای شعر افزوده است:

خارج‌ه انهار خراسان نبرد اس‌کله و ش‌یله گیلان نبرد

(عشقی: ۲۹۷)

وزیر عدلیه‌ها بر فراز دار روند رئیس نظمیه‌ها سوی آن دیار روند

(همان: ۱۹۲)

#### ردیف موسیقایی در شعر عارف

کاربرد ردیف‌های فعلی یکی از ویژگی‌های شعر عارف می‌باشد.

آورد بوی زلف توأم باد زنده‌باد ز آشفتنگی نمود مرا شاد زنده‌باد

(عارف: ۱۷۷)

#### قافیه و صنعت‌گری

یکی دیگر از نشانه‌های قافیه بلاغی میزان مشارکت قافیه در ساخت صنایع ادبی است. قافیه به دو شکل در خلق آرایه‌های ادبی دخالت دارد. قافیه گاه به تنهایی و گاه به کمک

## ۹۲ قوافی بلاغی با تأکید بر اشعار چهار شاعر عصر مشروطه

کلمات دیگر بیت، صنعت ادبی می‌سازد.

### قافیه و صنعت تصدیر

کلمات آغازین بیت و قافیه یکی است؛ مانند:

بخور تصدق بادام چشم‌هات بخور      فدای آن لب شیرین‌تر از نبات بخور

(عشقی: ۱۷۷)

کینه دشمن مرا گفתי چرا در سینه نیست      بس که مهر دوست آنجا هست، جای کینه نیست

نقد جهان را رایگان در راه آزادی دهیم      گر به جیب و کیسه ما مفلسان نقدینه نیست

(فرخی: ۱۱۲)

نگاهی به شاه و یاران شه کن      خطاهای ما در خطاها ننگه کن

(عارف: ۳۶)

### قافیه و صنعت تکرار

تکرار در قصاید فرخی، عارف، عشقی و لاهوتی به شکل‌های گوناگون آمده است:

ز روسیه آن روسی روسیه گفت      بکش مردم و خویش را روسیه کن

(عارف: ۳۵)

گاه در سرتاسر بیت بخشی از قافیه تکرار می‌شود.

خط از او، پاکت از او، کاغذ از او، شعر از او      چمن اندر چمن اندر چمن اندر چمن است

شبیون آن روز شود، شادی مطلق آری      خندد آن دیده که بگشاده به رو وطن است

(لاهوتی: ۸)

شهر خراب و شحنه و شیخ و شهش خراب      گویا در این خرابه به غیر از خراب نیست

(فرخی: ۱۰۷)

ماشاءالله بود یک دزد، این هزار اندر هزار      یک شتر برده است آن و این قطار اندر قطار

(عشقی: ۳۱۰)

## قوافی بلاغی با تأکید بر اشعار چهار شاعر عصر مشروطه □ ۹۳

ای که شیران را کنسی رو به مزاج احتیاج ای احتیاج

(عشقی: ۳۰۳)

گاه کلمه قافیه پشت سر هم قرار می‌گیرد.

### قافیه و صنعت ردالقافیه

صنعت رد القافیه تکرار قافیه مصراع اول در آخر بیت دوم است. برخی از منتقدان و سبک شناسان در این‌که ردالقافیه چه حسنی به شعر می‌افزاید و کدام زیبایی بصری یا موسیقایی را می‌آفریند، بحث‌های مختلف کرده‌اند از آن میان کورش صفوی در کتاب «از زبانشناسی به ادبیات» و سیروس شمیسا در کتاب «آشنایی با عروض و قافیه» نظر انتقادی خود را صراحتاً بیان کرده‌اند. شمیسا در کتاب اخیرالذکر می‌گوید: «معلوم نیست که در این به‌اصطلاح صنعت، چه لطفی می‌دیده‌اند.» (شمیسا، ۱۳۷۱: ۱۱۰) به هر حال از آنجا که مبنای جمال‌شناسی این تحقیق در بلاغت قدیم استوار است، رد القافیه را جزو محسنات کلامی می‌داند و بدون اینکه قصدی در رد یا پذیرش نظر منتقدان فوق داشته باشد، اساس کار خود را بر نظریات بلاغی بلاغت سنتی می‌نهد. در نمونه‌های زیر رد القافیه را به‌وضوح می‌توان دید.

ای صبا برگو به آیین ادب مظلوم را آن حقیقت پیشه دانا دل معصوم را

کعبه ایقان زیارت کردی و نیکو بدار پاس حرمت طوف درگاه شه مظلوم را

(لاهوئی: ۷)

این غرقه به خاک و خون، دلی بود یا طایر نسیم بسملی بود

(فرخی: ۱۲۷)

از دست تو قطره قطره خون شد یک چند اگر مرا دلی بود

گرسنه چون شیرم و برهنه چو شمشیر برهنه‌ای شیر گیر و گرسنه‌ای شیر

برهنه‌ام دستگیری‌ام نکند کس دست نگیرد کسی به برهنه شمشیر

در سر پیری برهنه‌پا بد مولیبر گاو بدزدید در شهاب شکسپیر

#### ۹۴ قوافی بلاغی با تأکید بر اشعار چهار شاعر عصر مشروطه

از پی تجلیل نامشان نک میلیون میلیون اصراف می کنند و تبتذیر

(عشقی: ۳۴۲)

#### قافیه و صنعت تلمیح

صنعت تلمیح در قافیه قصاید سبب ایجاز می شود و قافیه را از محدوده کلمه جدا کرده به بازآفرینی یک داستان، مثل، مثل یا اسطوره رهنمون می شود. همین ویژگی به بلاغت شعر می افزاید و باعث می شود، شعرا در قافیه های خود از این صنعت استفاده کنند.

خون خورد، غارت برد، آتش زند، ناموس ریزد رحم بر ایرانی و شفقت به تورانی ندارد

(لاهوئی: ۱۳)

فرخی در بیت زیر با استفاده از صنعت تلمیح، واژه نمرود را در جایگاه قافیه به کار برده

است

تا نوازی دوستان را، جنت شداد شو تا گدازی دشمنان را آتش نمرود باش

(فرخی: ۱۵۴)

میرزاده عشقی در به کارگیری تلمیحات در قافیه های اشعارش سبک و شیوه های هم چون

شاعران سبک خراسانی به کار برده است.

و لیک با همه حس و مهر اولادی به طیب خاطر گفتم فدای آزادی

چو طفلک انم دادند جان در آن وادی مرا بد از پی مشروطه عشق فرهادی

(عشقی: ۱۸۷)

عارف در بیت زیر با استفاده از صنعت تلمیح، واژه کاوه حداد را در جایگاه قافیه به کار برده

است.

گر کمر کاوه به شاهی فریدون بندد گو نگون دست علم کاوه حداد کند

(عارف: ۱۸۵)

### قافیه و تشبیه

شعرای عصر مشروطه در قافیه‌ها صنعت تشبیه را به شکل‌های مختلف به کار می‌برند در این حالت قافیه در تصویرسازی شرکت می‌کند و همین امر بر بلاغت کلام می‌افزاید. گاهی کلمه قافیه، یک تشبیه کامل است شامل (مشبه و مشبه‌به)

دو گوشش راست هم‌چون شمع می‌شد      چو شیری وقت حمله جمع می‌شد

(لاهورتی: ۱۳)

«شمع»، کلمه قافیه و مشبه‌به و «دو گوش» به آن تشبیه شده است.

کاخ گزرسس که بود سخت چو آهن      باره بهمن که بود سخت چو پولاد

سر به سر آن را به‌زور پای فشاری      دست تو از بن گرفت و کند ز بنیاد

(فرخی: ۲۰۳)

«پولاد» قافیه و مشبه‌به و «باره بهمن» به پولاد تشبیه شده است.

ابله منم که صرف پی لیلی وطن      هرآن چه می‌رسد به من از زودباوری است

رو کرده‌ام به دشت چو مجنون عامری      بس رنج‌ها کشیده‌ام از زودباوری

(عشقی: ۳۵۹)

«بیرون کردن از»، مشبه و درویش بیابانی «مشبه‌به» و قافیه بیت است.

قدرشناسی یک ملت این آخر عم      به در از شهر چو درویش بیابانی کرد

(عارف: ۱۳۰)

### قافیه و استعاره

شعرای قصیده‌پرداز قافیه را به گونه‌ای به کار برده‌اند که استعاره مکنیه یا استعاره مصرح ساخته شود.

ای آسمان برو که تو عاجزتری زمن      ای چرخ دور شو که تو بیش از منی فگار

من سخره تو نیستم ای چرخ دون پرست      من طعمه تو نیستم ای گرگ لاشخور

(لاهورتی: ۱۳)

## ۹۶ قوافی بلاغی با تأکید بر اشعار چهار شاعر عصر مشروطه

گرگ لاشخوار، استعاره مصرح از روزگار است.

تاخت مزگان تو بر ملک دل از چشم سیاه چون سوی شرق به فرمان قضا لشکر سرخ

(فرخی: ۱۱۷)

لشکر سرخ استعاره مصرح از انوار خورشید.

ما طرفداری خورشید حقیقت کردیم آن زمانی که هما سخره خفاش نبود

(فرخی: ۱۳۵)

خفاش استعاره مصرح از مردم ضعیف و ناتوان جامعه است.

از قوام و بستگانش دیپلم باید گرفت در خیانت داد هر کس امتحان فتنه را

(فرخی: ۸۳)

امتحان فتنه، استعاره مکنیه است.

خانه‌ای کو شود از دست اجانب آباد زاشک ویران کنش آن خانه که بیت الحزن است

(عارف: ۲۰۲)

بیت الحزن، استعاره مصرح از وطن است.

نگهداری این کشور اگر ناید زدست تو چرا با دست خود بدهی به دست انگلیسانش

از این راه و گه و هامون، نبردی راه خود بیرون نباشی ناگزیر ایدون، که بسپاری به دزدانش

(عشقی: ۳۴۶)

دزدان، استعاره مصرح از وطن‌فروشان است

### قافیه و کنایه

گاه با یک کلمه و گاه با یک جمله کنایه ساخته می‌شود. شعرای قصیده‌پرداز قافیه شعر را

به‌گونه‌ای به‌کار برده‌اند که در ساختمان کنایه نقش‌آفرینی کند.

دو دست از دیده‌های تر گرفتیم رفیقان را چو جان در برگرفتیم

(لاهوری: ۱۳)



### قوافی بلاغی با تأکید بر اشعار چهار شاعر عصر مشروطه □ ۹۷

دیده‌های تر، کلمه قافیه و کنایه از چشم‌های گریان است.

ای کوه تو هم سنگ غم و درد منی      وی کاه تو هم رنگ رخ زرد منی

(فرخی: ۲۵۷)

رخ زرد، کنایه از بیمار و ناراحت بودن است.

مرا بخواست پس آن مرده‌شوی بی‌سروپا      چه حکم شاه در ایران‌زمین چه حکم خدا

به من بگفت که مشروطه کی شود اجرا؟      مده تو گوش به این حرف‌های پا به هوا

(عشقی، ۱۳۴۲: ۱۸۵)

حرف‌های پا به هوا، کنایه از حرف‌های بیهوده و بی‌ارزش است.

تو صحت عمل از دزد و راهزن مطلب      که مملکت امروز دزدبازار است

(عارف: ۱۸۸)

دزدبازار بودن، کنایه از هرج و مرج است.

### قافیه و ضرب‌المثل

شعرا در پایان بعضی از ابیات، مثل و سخن حکیمانه‌ای را به کار می‌برند و قافیه جز پایانی

آن جمله حکیمانه است.

زور به پشت حساب مشت زد و گفت      حرف حسابی دگر جواب ندارد

(فرخی: ۱۴۷)

ضرب‌المثل، حرف حسابی جواب ندارد.

از دو ماهی، روزی به شوخی و خنده      بگفت خانمکی خواهم از تو زیننده

برو بجوی که جوینده است یابند      بگفتمش که خود این کار ناید از بنده

(عشقی: ۲۹۷)

ضرب‌المثل، جوینده یابنده بود.

تا وطن را به انگلیس دهد      کاسه گرم‌تر ز آس بیسین

(فرخی: ۱۹۴)

ضرب‌المثل، کاسه گرم‌تر از آتش شدن  
وطن آن‌چنان داد پاداش من که لب‌سوز شد کاسه آتش من

(عارف: ۲۱۳)

ضرب‌المثل، آتش دهن‌سوز بودن.

#### قافیه و جناس

ساختار قافیه چنان است که هماهنگی صامت‌ها و مصوت‌ها در هجای پایانی و یکسان بودن حرف روی در قافیه‌ها، امکان پدید آمدن انواع جناس به‌خصوص جناس زائد و مطرف را فراهم می‌کند. انواع دیگر اجناس که در قافیه‌های شعرهای موردنظر ساخته شده عبارت‌اند از: جناس تام، جناس خطی، جناس اشتقاق، جناس لفظی و جناس مکرر.

گر چرخ به کام ما نگردد کساری بکنیم تا بگردد  
هرگز قسد مردمان آزاد با هیچ فشار تا نگردد

(لاهورتی: ۳)

گشتن در بیت اول به معنی چرخیدن و در بیت دوم فعل اسنادی به معنی شدن است.  
گهی از آتش مرداد، رخت عمر سوخت دمی ز سردی دی کشت عافیت بدرود  
سپاس باد خدای را که از تطاول دی نکرد یکسر با جسم ما روان بدرود

(لاهورتی: ۷)

بدرود، در بیت اول به معنی درو کردن و در بیت دوم به معنی خداحافظی کردن است.  
به‌جز این مرا نماند پس مرگ سرگذشتی که منت ز سرگذشتم چو توام به سرگذشتی

(فرخی: ۱۷۸)

سرگذشت، در بیت اول به معنی حکایت و داستان و در بیت دوم به معنی از سر گذشتن و عبور کردن است.

### قوافی بلاغی با تأکید بر اشعار چهار شاعر عصر مشروطه □ ۹۹

خون من گرامرا کشند اینان می‌نویسد به روی خاک ایران  
ور به آتش کشند پیکر من نقش خاکستر من است وطن

(عارف: ۱۸۵)

عارف در بیت فوق واژه‌های اینان و ایران را در جایگاه قافیه به کار برده است که جناس ناقص اختلافی است.

### قافیه و صنعت تناسب

تناسب در بین کلمات بیت به فراوانی دیده می‌شود؛ اما برای ساخته شدن قافیه بلاغی، شعرا بین قافیه و کلمه قبل از آن تناسب ایجاد کرده‌اند.

باغبانی سره و تجربه ناک متخصص به نشاندن تاک

(لاهورتی: ۱)

تناسب بین واژه‌های باغبان، نشاندن و تاک وجود دارد.

نای آزادی کند چون نای انقلاب باز خون سازد جهان را نینوای انقلاب

(فرخی: ۹۲)

در بیت فوق تناسب بین واژه‌های آزادی، نینوا، خون و انقلاب وجود دارد.

همی نگردد آباد این محیط خراب اگر نگردد از خون خائنین سیراب

گمان مدار که این حرف‌هاست نقش بر آب یقین بدان تو که تعبیر می‌شود این خواب

(عشقی: ۱۹۲)

واژه تعبیر و خواب در بیت فوق تناسب دارد.

### قافیه و صنعت تضاد

یکی از شیوه‌های که در این پژوهش به آن توجه شده است تضاد بین کلمه قافیه با کلمه

قبل از خودش است. این ابتکار نیز راهی برای ساخته شدن قافیه بلاغی است.

خادم مخدوم جبرئیل امین، کز حق رسد فیض‌های سرمدی آن خادم و مخدوم را

۱۰۰ قوافی بلاغی با تأکید بر اشعار چهار شاعر عصر مشروطه

(لاهوئی: ۱)

مخدوم قافیه بیت است و با واژه خادم تضاد دارد.

توده را با جنگ صنفی آشنا باید نمود کشمکش را بر سر فقر و غنا باید نمود

(فرخی: ۱۳۹)

غنا قافیه بیت است و با واژه فقر تضاد دارد.

بین به بین‌النهرین انگلیس آن ظلم که کرد در همه گیتی به بحر و بر نکند

به روح عالم اسلام زین جهان کاری که کرد طفل به گنجشک کنده پر نکند

(عارف: ۲۳۱)

بر قافیه بیت است و با واژه بحر تضاد دارد.

## نتیجه

قافیه به‌عنوان بخشی اساسی از موسیقی کناری شعر، علاوه بر نقش موسیقایی و غنای موسیقایی شعر، در انتقال مفاهیم مورد نظر شاعر نیز نقش دارد و شاعران توانا از این ویژگی قافیه در جهت ایجاد هارمونی و هماهنگی در شعرشان نهایت استفاده را برده‌اند و بدین صورت بر زیبایی و تأثیر شعر خود افزوده‌اند.

قافیه از ارکان مهم شعر فارسی است و شاعران همواره به آن اهمیت داده‌اند. سرودن اشعار با قوافی مشکل و ذکر کردن انواع نقش‌ها برای قافیه، از توجه آن‌ها به قافیه حکایت می‌کند. با همه اهمیت که قافیه دارد، گاهی ابیات بی‌قافیه در دیوان برخی از شاعران پیدا می‌شود. ولی حتماً آن ابیات دارای ردیف هستند و ردیف کمبود قافیه را در موسیقی جبران می‌کند. قافیه یکی از ارکان رازآلود شعر فارسی است و اگر بخواهیم زیبایی‌های ادبی را در شعر پیدا کنیم بی‌شک قافیه یکی از راه‌های رساندن ما به سرچشمه زیبایی‌های ادبی است. آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، قافیه بلاغی است. قافیه بلاغی کلمه‌ای است که از یک‌سو نقش موسیقایی دارد و برای القای حس و عاطفه شعر مورد استفاده قرار می‌گیرد و از سوی دیگر در قالب یکی از صنایع ادبی جلوه می‌کند. به تعبیر دیگر روساخت زبانی قافیه بلاغی موسیقی شعر را کنترل و تنظیم می‌کند و از طرفی در آفرینش صنایع ادبی نقش مؤثری دارد. بدین ترتیب قافیه ادبی از ترکیب موسیقی لفظی و ادبی ساخته می‌شود و شاعر می‌تواند از این ویژگی‌ها در شعر بهره بگیرد.

### منابع و مأخذ

- ۱- حافظ، خواجه شمس‌الدین. دیوان اشعار. تصحیح انجوی شیرازی، تهران: جاویدان، ۱۳۶۷.
- ۲- رازانی، حسین، «قافیه بلاغی با تکیه بر قصاید رودکی، عنصری، فرخی و منوچهری»، پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، شماره ۲، صص ۱۱۲-۹۵، ۱۳۹۰.
- ۳- رازی، شمس قیس. المعجم فی معاییر اشعار العجم. به کوشش محمد رضانی، تهران: مؤسسه خاور، مطبوعه مجلس، ۱۳۶۲.
- ۴- شفیعی کدکنی، محمدرضا. موسیقی شعر. ج ۴، تهران: آگه، ۱۳۷۶.
- ۵- عارف قزوینی، ابوالقاسم. دیوان. به کوشش مهدی نورمحمدی، تهران: سخن، ۱۳۸۹.
- ۶- عشقی، میرزاده. به تصحیح علی‌اکبر مشیر سلیمی، ج ۸، تهران: سپهر، ۱۳۵۷.
- ۷- فرخی یزدی، میرزا محمد. دیوان اشعار. تصحیح حسین مکی، تهران: جاویدان، ۱۳۸۹.
- ۸- لاهوتی، ابوالقاسم. دیوان اشعار. تصحیح بهروز مشیری، تهران: توکا، ۱۳۵۷.
- ۹- محمدی، علی؛ طاهره قاسمی. «بررسی نقش قافیه در تحولات آوایی زبان فارسی»، فصلنامه فنون ادبی، سال هشتم، شماره ۸، تابستان، صص ۱۵-۳۲، ۱۳۹۵.
- ۱۰- منوچهری دامغانی، احمد بن قوص. دیوان اشعار. تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران: زوار، ۱۳۶۳.
- ۱۱- یوسفی، غلامحسین. «موسیقی کلمات در شعر فردوسی»، مجله دانشکده ادبیات علوم انسانی دانشگاه فردوسی، سال چهاردهم، شماره ۲، صص ۲۵۲-۲۸۵، ۱۳۵۷.